

روزنامه مجلس، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت

♦ دکتر غلامرضا فدائی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۹/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۴

چکیده

این مقاله، با هدف بررسی نقش مطبوعات بویژه روزنامه‌ها در روشنگری جامعه معاصر ایران، نگاهی گذرا و تاریخی به چاپ و انتشار و ممیزی مطبوعات در دوران قاجار دارد. روزنامه مجلس به عنوان اولین روزنامه ملی که در دوران پس از مشروطیت و از طرف دوره اول مجلس شورای ملی منتشر می‌شده است، معرفی می‌شود. اهمیت این روزنامه در انعکاس تحولات مجلس پس از به توپ بسته شدن آن، فرمان مظفرالدین شاه مبنی بر تأسیس روزنامه، زندگی سیاسی اجتماعی مدیریت روزنامه، محمدصادق طباطبائی فرزند میرزا سیدمحمد طباطبائی معروف به سنگلجی و سردبیر آن، ادیب‌الممالک فراهانی، موضوع‌هائی هستند که به آن پرداخته می‌شود. مشخصات روزنامه به تفکیک هدف، موضوع، سادگی، دوره تناوب، حق اشتراک، مبادله، نمایندگی و نحوه مکاتبه آورده شده است. در پایان، به پاره‌ای از مذاکرات مجلس که در این روزنامه انتشار یافته است، از جمله اهمیت مجلس، مخالفت با دیکتاتوری و استقراض اشاره شده، متن دو نامه وارده به آن روزنامه آورده می‌شود. تفاوت‌های دوره پنج جلدی این روزنامه که کتابخانه مجلس شورای اسلامی به تجدید چاپ آن همت گماشته، آخرین مطلبی است که به آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

مطبوعات / نقش اجتماعی / جامعه مدنی / قاجاریه / روزنامه مجلس / دوره اول مجلس شورای ملی / تحلیل محتوا / استبداد صغیر / طباطبائی، محمدصادق / ادیب‌الممالک فراهانی

مقدمه

اهمیت روزنامه و روزنامه‌نگاری در جامعه مدنی، بر کسی پوشیده نیست. از زمانی که حکومت‌ها از شکل خودکامگی و استبدادی به حالت شورائی و حکومت قانون درآمدند و مردم در روند حکومت سهم پیدا کردند و مشارکت آنان ضروری تشخیص داده شد، اطلاع آنان از اوضاع و احوال نیز، امری واجب تلقی گردید. لذا در آغاز، حاکمان و سپس با اتکا به قانون، توده‌های مردم و به‌ویژه نخبگان و فرهیختگان آن‌ها، وظیفه آگاهسازی مردم را از طریق مطبوعات به عهده گرفتند؛ تا جایی که در نظام پیشرفته جدید، مطبوعات رکنی از ارکان حکومتی به حساب آمدند. در واقع وجود روزنامه‌ها، سبب تعالی جامعه و تثبیت بهتر امور شد. از این رو، همه کشورها در حال حاضر برای مطبوعات نقش ویژه‌ای قائل‌اند.

در این میان روزنامه‌ها، به‌ویژه آن‌ها که به معنی دقیق کلمه روزانه منتشر می‌شوند، نقش بسیار سریعی در اطلاع‌رسانی برعهده دارند. روزنامه‌ها و مجلاتی که به منابع خبری دقیق‌تر و محکم‌تری دسترسی داشته باشند، طبعاً از کارائی بیش‌تری برخوردارند و طرفداران فراوان‌تری دارند و چنانچه حمایت‌های مالی نیز از آن‌ها بشود، ماندگاری بیش‌تری خواهند داشت.

بیان مسئله

تاریخ با حضور انسان و فعالیت‌های او شکل می‌گیرد و بن‌مایه تاریخ را، اسناد و مدارک تشکیل می‌دهد و اطلاع از آنچه در گذشته بوده، برای همه انسان‌ها جالب و شنیدنی است.^۱

عصر مشروطیت، عصر ویژه و مهمی در تاریخ معاصر ایران است. دورانی بود که استبداد قاجاری، جای خود را به عصر روشنگری و قانونگرایی می‌سپرد.

مسافرت‌های پی‌درپی شاهان قاجار از یک طرف و وجود روشنفکران مصلحی چون امیرکبیر و اعزام محصل به خارج از کشور و یا دعوت استادان خارجی برای تدریس در مدرسه دارالفنون، همه و همه در روشنگری ملت نقش به‌سزائی داشت. بیداری ملت‌های همسایه و کناردست مثل ترکیه، مصر، لبنان و هند، و همچنین ارتباط با کشورهای پیشرفته صنعتی، در بیداری مردم ایران تأثیر فراوانی داشت.

در این میان روزنامه‌های داخلی کشور، اگرچه عمری کوتاه داشتند، ولی گاه در داخل و عمدتاً در دوران اختناق در خارج از کشور، به تنویر افکار مردم پرداختند و در روشنگری افکار مردم کوشیدند تا سرانجام به پیروزی نهضت مشروطیت انجامید. در آن زمان پاره‌ای از روزنامه‌ها نقش بیش‌تری داشتند و ماندگاری بیش‌تری هم یافتند. روزنامه مجلس، یکی از آن روزنامه‌هاست که توانست پنج سال بپاید و دوام بیاورد و خدمات شایانی از نظر روشنگری و آگاهسازی به مردم برساند.

این مقاله، بنا دارد اجمالاً سهم روزنامه‌ها را در روشنگری جامعه معاصر ایران مشخص کند؛ به‌ویژه معلوم سازد که روزنامه مجلس، چه نقشی در آن روزگار داشته و جایگاه اجتماعی مؤسس و سردبیر آن چگونه بوده است و نیز کتابخانه مجلس به عنوان پایگاه مردمی کشور، دارای چه ذخایری از این دست روزنامه‌هاست.

اهمیت روزنامه‌ها در این زمینه فراوان است. وجود روزنامه‌ها و مطالب مندرج در آن‌ها و تعداد و تنوعشان، نشان از رشد و تعالی جامعه و در صورت عکس، انحطاط آن دارد. در مقدمه جلد اول روزنامه مجلس، در این باره چنین آمده است:

روزنامه‌ها، آئینه تمام‌نمای افکار و عقاید و منابع بسیار ارزشمندی در هر دوره زمانی برای پژوهش‌اند. با بررسی آن‌ها می‌توان مسائل

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی هر جامعه و ملتی را شناخت. تعداد و تنوع روزنامه‌ها در هر جامعه، نشانگر درجه رشد، اعتلا و یا انحطاط آن است. همچنین بیانگر درجه آزادی فکر، میزان آزاداندیشی و آزادی‌خواهی قوم و ملتی در صحنه زندگی است. وقتی روزنامه‌ها به جای پرداختن به واقعیت‌ها، به مسائل مجازی و غیرواقعی مشغول می‌شوند و یا به جای صراحت در گفتار، بناچار در قالب طنز و شوخی و استعاره مسائل را مطرح می‌کنند، خود بیانگر واقعیت‌های موجود در جامعه است. حتا انتخاب نام روزنامه‌ها، خود حکایت از طرز تفکر و بینش جامعه و یا فرهیختگان آن دارد. جا دارد عناوین روزنامه‌ها در دوران مشروطه چون اطلاع، دانش، شرف، شرافت، کوکب ناصری، حبل‌المتین، مفرح‌القلوب، مفتاح‌الظفر، صوراسرافیل، ملانصرالدین، حشرات‌الارض، جارچی ملتی، بهلول، صراط‌المستقیم، عروه‌الوثقی، نسیم شمال، حاجی‌بابا، چرند و پزند و صدها نام دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

برخورد مهرآمیز و یا قهرآمیز دولت با روزنامه‌ها، خود مقوله‌ای جالب و قابل پژوهش است. وجود روزنامه‌ها و مطالب مندرج در آن‌ها، بیان‌کننده این واقعیت است که تا چه اندازه دستگاه حکومتی به مسائل اطلاع‌رسانی و سهم مشارکتی مردم در اداره کشور توجه دارد. بررسی شخصیت صاحبان امتیاز روزنامه‌ها، مدیران مسئول و سردبیران آن‌ها در طول زمان، القاب این افراد چون مؤیدالاسلام، ادیب‌الملک و... حاکی از پایگاه و جایگاه اجتماعی آنان به شمار می‌رود. بررسی روزنامه‌ها در هر عصر و دوره‌ای، می‌تواند گرایش کلی جامعه را نشان دهد. گاه این سمت و سو را با الهام و یا اقتباس و گاه با فشار عوامل داخلی و خارجی تبلیغ می‌کنند. غربگرائی، شرقگرائی، ملی‌گرائی، صنعت‌مداری، مردم‌سالاری، ترقی‌خواهی و انواع آن را، می‌توان با

بررسی روزنامه‌ها به دست آورد.

تعداد روزنامه‌های فارسی خارج از کشور در بعضی از زمان‌ها، خود مقوله پژوهش دیگری است. بارقه‌های روشنفکری از چه زمان و از چه سمت و سو وارد کشور شد؛ مطالعات همزمانی و در زمانی در این باره، خود بحث جالبی است. روزنامه‌های سیدال‌اخبار، کوکب ناصری، حبل‌المتین، آزاد، مفرح‌القلوب، احسن‌ال‌اخبار، مفتاح‌الظفر و اصلاح از طرف هند؛ ثریا، پرورش، حکمت، چهره‌ما در مصر؛ شمس و خاور در اسلامبول، و عروه‌الوثقی در لندن، نمونه‌هایی از این روزنامه‌هاست.

جلوه‌های هنری بحث، پژوهش دیگری در بررسی روزنامه‌هاست. خط‌ها، نقاشی‌ها، کاریکاتورهای مناسب با زمان و موضوع، نقش افراد هنرمند چون صنایع‌الدوله و کلهر، درخور تأمل و بررسی است. عمر کوتاه روزنامه‌ها و بررسی علل آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. شهرستان‌ها نیز در دوران مشروطیت، نقش مهمی ایفا کردند. روزنامه انجمن تبریز و روزنامه انجمن اصفهان و امثال آن، درخور مطالعه‌اند.^۲

روزنامه - که ترجمه لفظ به لفظ News paper یعنی کاغذ اخبار است - نام عمومی نشریاتی است که برای منتشر کردن اخبار و نیز آرا و نظرات، اعلانات و دیگر اطلاعات مورد توجه مردم، در فاصله معینی اغلب روزانه چاپ و پخش می‌شود.^۲ امروزه، تصور جامعه مدنی بدون مطبوعات تقریباً غیرممکن است. نشریات ادواری همراه با دیگر رسانه‌های گروهی مثل صدا و سیما، در شکل بخشیدن به افکار عمومی، نقشی بس مهم دارند و از این رو، صاحبان قدرت برای درآوردن آن‌ها به زیر نفوذ و سلطه خود، مستقیم و یا غیرمستقیم، به انحای مختلف می‌کوشند. نشریات، در حکومت‌های استبدادی زیر نظر مستقیم دولت است و مطالب آن‌ها پیش از انتشار کاملاً ممیزی می‌شود. حتی در

کشورهای آزاد هم مطالب روزنامه‌ها به طور کامل از ممیزی به دور نمی‌باشد. از این رو، در جهان امروز روزنامه‌نگاران نیز سعی دارند با بهره‌گیری از حمایت قانون، برای خود قدرتی کسب کنند؛ از زیر یوغ قدرت دولت بیرون آیند و آزادانه هرچه می‌خواهند بنویسند و به‌ویژه از نظر مالی مستقل باشند.

در زبان فارسی اصطلاح وقایع‌نویسی، در قصبه‌نویسی، طلعه‌نویسی به‌ویژه در هند وجود داشته است، و گاه اخبار دربار قبل از دوران چاپ با تکثیر در اختیار عده‌ای قرار می‌گرفت. در بین روزنامه‌های فارسی در هند، *حبل‌المتین* در بیداری ایرانیان و در ایجاد انقلاب مشروطیت نقش چشمگیری داشته است.

در زمان محمدرضا قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ق. / ۱۸۳۴ - ۱۸۴۸ م.)، میرزا صالح - که شاید در سمت وزیر در ایران خدمت می‌کرد - به تقلید از اروپائیان روزنامه‌ای تأسیس کرد و آن را *کاغذ اخبار* نامید. این روزنامه - که اولین روزنامه چاپی فارسی در ایران به شمار می‌رود - متن چندین شماره آن درست است. این روزنامه، در اثر بی‌کفایتی وزیری چون میرزا آقاسی به تعطیلی کشیده شد. در سال ۱۲۴۴ ق. / ۱۸۲۸ م. نخستین روزنامه مصری به نام *وقایع مصریه*، به دست محمدعلی پاشا، خدیو مصر تأسیس شد. در سال ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۰ م.، *روزنامه وقایع اتفاقیه* را میرزا تقی‌خان امیرکبیر تأسیس کرد که شماره اول آن *روزنامه‌چه اخبار دارالخلافت تهران* نام داشت. این روزنامه را، در آغاز وزارت خارجه منتشر می‌کرد. ولی در سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۵۹ م.، با تشکیل مجلس شورای دولتی و با انتصاب علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به وزارت علوم، تحت نظارت این وزارتخانه قرار گرفت. این روزنامه، تا سال ۱۲۷۷ ق. / ۱۸۶۰ م. تا دهسال به طور مرتب منتشر می‌شد. از شماره ۴۷۱ به نام *روزنامه وقایع* و از شماره ۴۷۲ -

که مدیریت آن به عهده نقاش نامدار، ابوالحسن خان غفاری کاشانی ملقب به *صنیع‌الملک* قرار گرفت - با نام *روزنامه دولت علیه ایران* منتشر شد که او با تصاویر هنرمندانه خود، مطالب را درآمیخت. از سال ۱۲۷۴ ق. / ۱۸۵۷ م.، زیر نظر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه - که از طرف ناصرالدین شاه ابتدا به ریاست مدرسه دارالفنون و در سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۵۹ م. به سمت وزارت علوم منصوب شد - سه روزنامه دولتی انتشار یافت؛ *روزنامه علمیه دولت علیه ایران* به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه، شامل مطالب علمی در ۵۳ شماره، دوم *روزنامه ملت سنیه ایران* - که بعداً *روزنامه ملتی* نام گرفت - و سوم *روزنامه دولتی* که با حفظ شماره ترتیبی، دنباله *روزنامه دولت علیه ایران* - که در واقع ادامه *روزنامه وقایع اتفاقیه* بود - به طور غیرمصور انتشار یافت.

پس از آن که در سال ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. اداره روزنامه‌های دولتی به محمدحسن‌خان *صنیع‌الدوله* اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳ ق. / ۱۸۹۵ م.) واگذار شد، به جای سه روزنامه پیشگفته دولتی، ملتی و علمی، یک روزنامه به نام *روزنامه ایران* یا *روزنامه دولت ایران*، هفته‌ای سه بار منتشر می‌گردید. مدتی بعد *روزنامه ایران*، نام *ایران سلطانی* به خود گرفت. به کوشش میرزا حسین خان سپهسالار (۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م.)، *صدراعظم ناصرالدین شاه*، روزنامه‌های *وقایع علمیه* و *روزنامه علمیه* و *ادبیه ایران* منتشر شد. اما با ممیزی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به ملاحظه اغراض نفسانی، موقوف و متروک شد. در سال بعد همزمان با وزارت جنگ سپهسالار، *روزنامه مریخ* تأسیس شد.

روزنامه‌نگاری با آنکه در زمان محمد شاه آغاز شده بود و در زمان ناصرالدین شاه رشد نسبتاً گسترده‌ای یافت، اما همه *روزنامه‌ها* دولتی بودند. منحنی فراوانی *روزنامه‌ها* در دوره مشروطیت، جالب توجه است و نشان می‌دهد که در مدت

۸۹۱ روز (۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱)، ۸۶۰ روزنامه جدید در نقاط مختلف کشور منتشر شده؛ یعنی به فاصله هر یازده روز، روزنامه جدیدی متولد می‌شد. منحنی، نشان می‌دهد که احتمالاً هرگاه قدرت حکومت به هر دلیلی کاهش یافته، تنوع انتشار روزنامه هم در ایران وسعت پیدا کرده است. به هر روی، روانشاد رضوانی، دوره یاد شده را «عصر طلائی روزنامه‌نگاران ایران» نامیده است.^۴ در زمان ناصرالدین شاه از ترس شاه، روزنامه‌ها جرئت اظهارات خلاف میل او را نداشتند. زیرا به سرعت توقیف می‌شدند. فرمان تأسیس اداره نظارت بر مطبوعات، در زمان ناصرالدین شاه صادر شد و شاه از آن استفاده کرد. ناصرالدین شاه، ممیزی یا سانسور را به عنوان یکی از دستاوردهای دنیای متمدن، جدا از همه دستاوردهای دیگر پسندید. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، رئیس اداره انطباعات ممالک محروسه گفته است: «در اوایل طلوع نیز این دولت مقرر گردید که هیچ کتاب و جریده و اعلانی و امثال و... در هر کارخانه از مطابع جمیع ممالک محروسه ایران به مطبوع نیفتند الا پس از ملاحظه مدیر این اداره و امضای وی ... چون بعضی از مطبوعات از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی و یا قدح فریقی و یا هجای شخصی و یا هزل فاحش بود، به لحاظ مبارک این پادشاه قدس اکتناه می‌رسید، از انتشار آن‌ها همواره آثار کراهت بر جبین همایون هویدا بود» و سپس می‌افزاید: «... معروض نمود که در دولت‌های اروپیه برای سدّ راه این عیب از ممالک خویش، دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن «سانسور» است و چون شرطی از شرایط و شئون آن بر اندام بر خاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا هم در تحت نظر این خانه‌زاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود ...»^۵ در اوایل تأسیس روزنامه مجلس هم که با نظر مظفرالدین شاه تأسیس شده بود و او خود گفته

بود که ما امتیاز بزرگ را به ایشان (صاحب امتیاز روزنامه مجلس) عنایت فرمودیم (روزنامه مجلس، ش ۱. ۸ شوال ۱۳۲۴). در عین حال، در نخستین شماره‌های تأسیس - که چاپش با تأخیر مواجه شده بود و نمایندگان پیگیر این مسئله بودند - علت آن ممیزی اعلام شد. مذاکرات زیر، حاکی از این مطلب است:

«حاج شیخ علی: طبع روزنامه به کجا رسید؟ آقا میرزا محسن: آنچه راجع به ما بوده، انجام یافته و از فردا شروع به طبع روزنامه می‌شود. حاج شیخ علی: کار طبع نظامنامه داخلی به کجا رسید؟

محقق‌الدوله: علت تعویق طبع روزنامه تا به حال ... وزارت انطباعات و چاپ نکردن مطبوعه‌ها بود. قبلاً که دستخط همایونی در آزادی مطبوعات مجلس صادر شد. همین روزها به طبع خواهد رسید.»^۶ با وجود ممیزی، معلوم بود که در کشور، مطبوعات تحت شرایط سخت به سر می‌بردند و توقیف‌های مکرر روزنامه‌ها و تبعید و یا زندانی افراد آزادیخواه، سبب شد که عده‌ای راهی کشورهای مجاور شوند و از هند، مصر، ترکیه و حتی انگلیس و فرانسه به طبع و نشر مطالب پردازند و به لطایف الحیل آن را به داخل کشور و برای افراد خاص بفرستند. نمونه‌ای از این روزنامه‌ها، عبارتند از: *عروة الوثقی* به عربی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی در لندن؛ *روزنامه اختر*؛ *روزنامه فکاهی* - انتقادی شاهسون در استانبول؛ توده به دست ابونظاره از مصریان تبعیدی در پاریس به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و فرانسه؛ *حبل‌المتین* در کلکته؛ *ثریا* در مصر که پس از توقیف در تهران و سپس در کاشان به همت میرزا علی محمدخان کاشانی با همکاری سید فرج‌الله کاشانی ایجاد شد؛ *روزنامه چهره‌نما* به هدایت عبدالحمید ایرانی در اسکندریه و سپس قاهره؛ *ارشاد* در باکو؛ خلافت به فارسی، عربی و ترکی در لندن.^۷

روزنامه‌های عصر مظفری - که در داخل کشور منتشر می‌شد - به رغم تقسیماتی که وجود داشت، در کل مردم را به موضوعات مهمی مثل تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدالت، قانون، نظم و ترتیب، الگوبرداری از ژاپن، یادآوری مفاخر گذشته، برادری اسلامی، و شناخت سیاست روس و انگلیس دعوت می‌کردند. به اعتقاد برخی از پژوهشگران، انقلاب مشروطه ایران، نتیجه دو جنبش همراه هم بود که به موازات همدیگر پیش می‌رفت: جنبش اول روح استقلال‌طلبی و ملیت‌ضداستعماری، و جنبش دوم، استقرار حکومت پارلمانی و مشورتی که تا حد زیادی از عقاید و افکار اروپائی سرچشمه می‌گرفت.^۸

محمدعلی شاه - که در باطن با مشروطیت مخالف بود - در روز تاجگذاری خود، اعضای هیچکدام از دو رکن اساسی حکومت مشروطه یعنی مجلس و مطبوعات را دعوت نکرد.^۹ مطبوعات و روزنامه‌نویسان، سلاح قاطع مشروطه‌خواهان شد. یا اعلام مشروطه و تصویب قانون اساسی و متمم آن - که آزادی فکر و قلم و زبان را تضمین کرده بود - توجه مردم را به روزنامه‌ها روزافزون کرد و با استبداد صغیر، دوباره روزنامه‌ها در محاق رفتند.

یکی از روزنامه‌ها و شاید مهم‌ترین آن‌ها در دوران پس از مشروطیت، روزنامه مجلس است. این روزنامه، تنها جایی است که تحولات مجلس اول را در آن می‌توان دید. صاحب امتیازش میرزا محسن برادر صدرالعلما، مدیرش سید محمدصادق طباطبائی و نویسنده و سردبیرش ادیب‌الممالک فراهانی است. یکی از موارد تأسف، این است که این روزنامه ۵۰ روز بعد از افتتاح مجلس منتشر شد و ما از مذاکرات قبلی مجلس بی‌خبریم. وقتی مجلس به توپ بسته شد، مذاکرات هم از بین رفت. این نشریه، روزنامه زمان آزادی است که پس

از روزنامه انجمن تبریز منتشر شد.^{۱۰}

روزنامه مجلس، رسماً از طرف دوره اول مجلس شورای ملی منتشر می‌شده است و در آن، علاوه بر مقالات کوتاه، مذاکرات نمایندگان نیز به چاپ رسیده است. کسانی که علاقه‌مندند از حوادث آن روزگار اطلاع کافی داشته باشند، باید بدانند مستندترین منبع، همین روزنامه مجلس است که ما را بر جریانات مجالس نخستین نحوه تفکر نمایندگان آن زمان و مسائل و مصائب و مشکلاتی که با آن مواجه بوده‌اند، واقف می‌سازد.

رضوانی گفته است: روزنامه مجلس، منبع عظیمی است که تقریباً همه مسائل زمان در آن منعکس است. پس از آنکه مجلس اول به توپ بسته شد، تمام اسباب و اثاث به یغما رفت. اسناد و مدارک و نوشته‌ها همه تاراج شد. حتا معلوم نیست اصل فرمان مشروطیت کجاست. آرشیو مجلس، دستخورده شد. در عین حال روزنامه مجلس یگانه منبع باقیمانده از آن زمان است.

رضوانی، در مقاله‌ای تحت عنوان «روزنامه مجلس، نخستین روزنامه پس از عصر مشروطیت»، ضمن طرح فرمان ایجاد آن در همان ماه شعبان، یعنی ماه افتتاح مجلس به دست مظفرالدین شاه - که در صفحه اول و ستون اول روزنامه درج شده است - مواد دستخط مظفرالدین شاه را عیناً نقل کرده است:

«جناب اشرف صدراعظم، چون روزنامه موسومه به مجلس - که اجازه طبع آن داده شده است - اول روزنامه‌ای است که در آن هرگونه مقالات مفیده راجع به خیر عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرایط دولت خواهی به آزادی قلم، مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت صوابدید شخصی باشد که جامع اطلاعات علمیه، شرعیه و سیاسی و درستی دیانت او کاملاً معلوم و مشهور باشد. لهذا به موجب این دستخط مبارک، جزئی

و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضا و تعیین وقایع نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره، به جناب آقای میرزا محسن مجتهد - سلمه‌الله که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه، از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال اعتماد دولت و به مراتب دولت‌خواهی و وطن‌دوستی، متجلی و به معلومات عصر جدید، بصیر و مطلع هستند - مرحمت و به عهده کفایت و دوستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را به ایشان عنایت فرمودیم تا مجلسی از بیغرضان خبیر و دولت‌خواهان بصیر، تأسیس و تشکیل نموده، با کمال دولت‌خواهی و نهایت خلافت و مراقبت، این امر مهم را عاجلاً به حسن ترتیب قرین انجام دارند.» (شعبان ۱۳۲۴)^{۱۱}

ملاحظه می‌شود که روزنامه مجلس، اگر چه به نام مجلس است ولی مورد تأیید دولت هم بوده و در این فرمان چندین بار وصف دولت‌خواهی و دولت‌خواهان آمده است. مسئولان روزنامه، در نظر داشته‌اند آن را به عنوان مهم‌ترین و عظیم‌ترین روزنامه مملکت و در ردیف جراید بزرگ دنیا قرار دهند.

مدیریت روزنامه، به عهده آقای محمدصادق طباطبائی فرزند میرزا سیدمحمد طباطبائی معروف به سنگلجی پسر سیدصادق طباطبائی همدانی، از رهبران عالیقدر و فداکار مشروطیت اول بود. مرحوم سنگلجی، مجتهدی آزادیخواه بود و با استبداد عین‌الدوله علناً مخالفت کرد و پس از به توپ بسته شدن مجلس، دستگیر و به خراسان تبعید شد. نسخه‌های خطی و کتاب‌های ارزشمند او را، پسرش سید محمدصادق طباطبائی نماینده، سناتور و رئیس دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (در سال ۱۳۳۴ش./۱۹۵۶م.) به کتابخانه مجلس شورای ملی اهدا کرد. سید محمدصادق طباطبائی، علاوه بر سمت‌های فوق، به دلیل علاقه‌مندیش به کتاب و مطبوعات، بارها عضویت شورای کتابخانه مجلس را در کنار افراد فرهنگی و دانش‌دوست آن زمان

داشته است.^{۱۲}

ادیب‌الممالک فراهانی، شاعر بزرگ و توانای ایران - که مقالات اجتماعی و سیاسی روزنامه مجلس را او می‌نوشته - با آنکه شاعری زبردست بوده، جالب است که جز در موارد معدودی، در روزنامه از اشعار خویش استفاده نکرده است. رضوانی، در مقاله پیشگفته خویش، پیشنهاد کرده که همچنان که اشعار این شاعر توانا در یک مجلد چاپ شده است، مقالات سیاسی و اجتماعی او نیز - که بیش‌تر در روزنامه مجلس مندرج است - به طور جداگانه چاپ و منتشر شود تا علاقه‌مندان از قدرت و توانائی در مسائل اجتماعی و سیاسی او بیش‌تر بهره ببرند.^{۱۳}

در کتاب *مدینه‌الادب عبرت نائینی* - که اخیراً به همت کتابخانه مجلس شورای اسلامی به زیور طبع آراسته شد و مجموعه گرانقدری است که عمدتاً شاعران و ادیبان را معرفی کرده - شرح حال ادیب‌الممالک چنین آمده است:

«او، از قبیله فراهان، از مضافات سلطان‌آباد [اراک] است و تربت جدشان، سلطان احمد، در هزاوه است و مملکات این خانواده، در شعری چنین آمده است:

شاید که شنیده باشی از خارج

اوضاع مزارع فراهانم

آن قصه دستجان و ساروقم

وان غصه کارزان و سیرانم

جانم به ستوه آمد از استوه

تا خود چه رسد زملک کرکانم

زان پس که هزاوه رفت و مهرآباد

کی در غم طور و با دوستانم

ادیب‌الممالک، در سال ۱۳۰۷، در ایام پیشکاری حسینعلی خان امیرنظام - که به تبریز رفت - هنوز «پروانه» تخلص می‌کرده و در انجمن سال ۱۳۰۷ در تبریز به امیرالشعرا لقب یافته و از آن به بعد «امیری»

تخلص کرده. در اوایل سال ۱۳۰۹، امیر نظام از تبریز به حکومت کرمانشاه و کردستان مأمور شد، ولی امیرالعشرا تا سال ۱۳۱۰ در آذربایجان مانده است. در سال ۱۳۱۱، به نزد امیرنظام به کرمانشاه و کردستان رفته، در سال ۱۳۱۲، در تهران جزو دارالترجمه دولتی کار می‌کرده. در شهر صفر ۱۳۱۴، با امیرنظام دوباره به آذربایجان رفته. در سال ۱۳۱۶، در آنجا مقیم شده. همان ایام نایب رئیس مدرسه لقمانیه گردیده و انتشار روزنامه ادب را در تبریز در آن سال شروع کرده و تا اواخر سال ۱۳۱۷، در آن شهر بوده و در اوایل سال ۱۳۱۸، از تبریز به قفقازیه و خوارزم و از آنجا به خراسان رفته و تا سال ۱۳۲۰ در مشهد مقدس روزنامه ادب را نشر می‌داده و در محرم ۱۳۲۱ - که ندیم السلطان وزیر انطباعات، روزنامه ایران سلطانی را دایر کرده - ادیب‌الممالک، سردبیر آن روزنامه شده و تا اواخر سال ۱۳۲۲ در آنجا کار می‌کرده است. در سال ۱۳۲۳ - که در بادکوبه روزنامه ارشاد در تحت مدیریت احمد آقیوف قرابخی تأسیس شد - صحت فارسی آن را ادیب‌الممالک می‌نوشت. در هشتم شوال سال ۱۳۲۴ - که روزنامه مجلس تحت مدیریت میرزا محمدصادق طباطبائی در تهران دایر گردید - سردبیری آن روزنامه در عهده ادیب‌الممالک بوده و در جمادی‌الاول ۱۳۲۵، روزنامه عراق عجم را خود در تهران تأسیس کرد و در جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۸، جزو مجاهدین فاتح تهران، مسلح وارد شهر گردید. در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹، رئیس عدلیه عراق و در سال ۱۳۲۰ رئیس عدلیه سمنان شده و هم در آن سال، تنها دخترش در تبریز درگذشت. در سال ۱۳۳۲، از طرف وزارت داخله، مدیر روزنامه نیمه رسمی آفتاب شد. در سال ۱۳۳۴ به ریاست ناحیه ساوجبلاغ تهران مأمور گردید و در سال ۱۳۳۵، به ریاست عدلیه یزد مأمور شد و در آنجا سکنه ناقص کرد و در سال ۱۳۳۶، در سن ۵۸ سالگی در تهران درگذشت.^{۱۴}

اشعار او، در تهنیت افتتاح مجلس شورای ملی و مدح مظفرالدین شاه و ثنای وکلا، در ۴۴ بیت در کتاب مدینه‌الادب آمده است که از جمله آن اشعار است:

شادباش ای مجلس ملی که بینم عنقریب از تو
[باز] آید درد ملت را در این دوران طیب
شادباش ای مجلس ملی که باشد مرترا
شرع پشتیبان و دولت حافظ و ملت نقیب
شادباش ای مجلس ملی که ظلم از تو گریخت
همچو حجاج بن یوسف از غزاله و از شبیب
شادباش ای مجلس ملی که از تأیید تو
عاشق بیچاره، آسوده شد از جور رقیب
کس نباشد زین پس از حواریون اندر شکنج
کس نباید زین سپس از عدل سلطان بی نصیب
نالۀ مظلوم آید تا به تخت شهریار
حالت بیمار گردد آشکارا بر طیب^{۱۵}

در اولین شماره در جلد اول در مقاله اتفاقیه و نیز در دو مقاله دیگر از سردبیر مسئول - که تحت عنوان‌های «فوائد مجلس» و «افاده مخصوص» آمده - مشخصات روزنامه دقیقاً بیان شده است. اینک به تفکیک، نکات لازم در این باره توضیح داده می‌شود:

هدف

«چون این روزنامه، اول روزنامه آزاد و نخستین جریده ملی است که با شرایط لازمه و ترتیبات جامعه، به عزم خدمت به وطن و ابنای وطن و ترویج و ترقی و حمایت و مدافعه حقوق عالم اسلامیت و حفظ و اقامه حدود و اجرای احکام مقدسه آن دامن همت به کمر زده و آستین خدمت بالا کرده، قدم به عرصه و عالم وجود می‌گذارد.^{۱۶} در جایی دیگر گفته است: ولذا بنائی مسلک این جریده آزاد ملی وطن بر حمایت اساس قوانین اسلامیت - که لازمه مدافعه حقوق ملیه و حفظ و حراست

ایران و بسط و تشریح و تجزیه و تنفیذ مباحث و مذاکرات این مجلس است و کلیتاً در ایجاد و حفظ قوانین مساوات حقوق ایران و ایرانیان بلاتفاوت بحث خواهد شد.

سادگی

«برای آنکه از تملقات بیجا احتراز نموده و الفاظ مغلقه مبهم جای معانی مهمه و مطالب مفیده را نگیرد و از مقصود اصلی و موضوع روزنامه‌نویسی تخطی نکرده و دور نرفته باشیم، کلیه عناوین و القاب، به اختصار ایجاز خواهیم پرداخت.»

دوره تناوب

«روزنامه مجلس، تا سه ماه اول از تاریخ افتتاح، هفته‌ای چهار نمره به ترتیب ایام انعقاد مجلس، توزیع و نشر می‌شود و پس از سه ماه، به استثنای روزهای جمعه و ایام محرّمه - که تعطیل عمومی است - همه روزه منتشر خواهد شد.»

حق اشتراک

«این روزنامه، مثل یکی از روزنامه‌جات صحیح اروپا، تأسیس و تشکیل می‌شود و لامحاله تحمل مصارف و مخارج گزاف خواهد نمود. بنابراین، محقق پیشرفت امور آن به رسم معمول تمام جراید، قیمت اشتراک، پس از ارسال ۵ نمره دریافت می‌شود.»

مبادله

«این روزنامه، در اقدام به مبادله روزنامه‌های مفیده حاضر است و هریک از ادارات، جراید معتبره به عنوان مبادله از نمره‌های جراید خود ارسال نمایند، قبول و عوض آن فرستاده می‌شود.»

نماینده‌گی

«این روزنامه، در تهران و سایر بلدان ایران و کلیه

حدود اجتماعیه اسلامیان است - می‌باشد ... این روزنامه، وظیفه حتمیه و سبک مرضیه خود را، مدافعه و حمایت حقوق تمام عالم اسلامیت و عامه اسلامیان مقرر داشته ... و به مناسبت این وظیفه و مسلک، ترویج و نشر معارف را - که اولین وسیله ترقیات است و استحکام اساس ملیت و بزرگ‌ترین مقدمه حصول آن مقاصد مقدسه است - پیشنهاد خاطر و مورد توجه خود ساخته.

موضوع

قلم این روزنامه، به کلی آزاد است و مطلق است و در مباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی و کلیه امور تکنیکی و تجارتي و اجتماعی و آنچه راجع به اصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط به فواید عامه و دایر به حقوق وطنیه و مدافعه حدود عالم اسلامیت باشد، با کمال آزادی سخن خواهد راند. وظیفه این روزنامه، نشر اخبار ادبیه و مذاکرات وکلای دارالشورای کبرای ایران و احکام صادره از مجلس و گفتگو در مباحث پلتیکی است. اخبار ولایات و وقایع شهری و اخبار مخصوص تجارتي و آنچه راجع به اشعار عمومی است، کسب و درج می‌شود.

در جای دیگر، از قول مدیرمسئول آمده است: ... و با نهایت کوشش و سعی، به توسیع عالم ادبیات خواهد پرداخت. نظمیات عصریه و اشعار معارف آثار وطنیه را به مناسبت مواقع منتشر خواهد ساخت ... این مسئله، در غایت وضوح معلوم است که وسیله جامعه و مقدمه اصلیه ترقی و تفوق ملل مغرب و اطلاع و وصول آنها به موافقت و نکات مهمه اساسیه و تقدم آنها بر اقوام شرق، تمسک به ذیل معارف و التجا به عروة الوثقای علوم و توجه به اقتباس و اکتساب و انکشاف فنون است ... بزرگ‌تر مقصد و مهم‌تر مقصود از تأسیس و نشر این روزنامه، پیروی و تعقیب و انفاذ مقاصد و حمایت حدود و مدافعه حقوق مجلس شورای ملی

مواقع و موارد مهمه، دارای اخبارنویس و وقایع‌نگاران مخصوص خواهد بود و تمام وقایع کتبی و تلگرافی و اخبار رسمی و غیررسمی را، کسب و کشف و بدون ملاحظه اشخاص، انتشار خواهد داد و برحسب اقتضای وسعت اداره، در موارد لزوم در پایتخت‌ها و بلاد عمده ممالک عالم، اخبارنویس تعیین خواهد نمود.»

نحوه مکاتبه

«آرا و افکار و کلیه مقالات و مکاتیب درباره مشروعات مجلس شورای ملی و اطلاعات مملکتی و مقاصد نوعی را، مادامی که مبنی بر اغراض شخصیه و موجب هتک ناموس و شرف اشخاص نباشد، با کمال امتنان درج خواهد نمود. بنابراین، بر صاحبان مکاتیب لازم است که مکتوب خود را با امضا و تعرفه کافیه ارسال نمایند و لذا مکاتیب بی امضا و یا مبهم و مقالاتی که مبنی بر اغراض بوده باشد، پذیرفته نمی‌شود.»

رضوانی، در مقاله خود درباره روزنامه مجلس، به پاره‌ای از ویژگی‌های آن پرداخته است. وی پس از یادکرد اهمیت آن، به ذکر صور مختلف تاریخ مندرج در روزنامه (اسلامی، ایرانی، فرهنگی)، به اهمیت ترجمه و مخصوصاً از روزنامه یومیة اللوا در این روزنامه اشاره کرده است. همچنین جالب‌ترین مطالب این روزنامه را، مذاکرات نمایندگان مجلس ذکر کرده و اینکه قوای سه گانه کشور، در عین حالی که از نظر قانونی از هم جدا بود، ولی در آغاز مشروطیت کسی به آن توجه نداشت. درج مسائل و مشکلات مردم، گرفتاری نان و گوشت، بی‌پولی کشور، اصلاح مفاسد، جلوگیری از ناامنی و مخاطبان عام این روزنامه، از ویژگی‌های آن است.^{۱۷}

در واقع روزنامه مجلس، دایرةالمعارف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عصر مشروطه است. تحلیل محتوای آن، می‌تواند برای محققان بسیار

سودمند باشد و در این مقاله، به پاره‌ای از مذاکرات و مندرجات آن اشاره می‌شود:

۱. اهمیت مجلس

در جای جای این روزنامه - که به نام مجلس است - به اهمیت مجلس قانونگذاری، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم اشعار دارد. در دو مقاله از سردبیر و مدیرمسئول ادیب‌الممالک و محمدصادق طباطبائی، تحت عناوین «فواید مجلس» و «افاده مخصوص»، مطالب مبسوطی ارائه شده است. گزیده‌هایی از مقالات مزبور چنین است:

در مقاله اول، آمده است: فایده مجلس دو چیز است؛ یکی حفظ قواعد سیاسیه و نوامیس طبیعیه ملک و ملت؛ دوم اختراع و تغییر قوانین سیاسیه آن به اقتضای زمان و مصلحت وقت. قانون اساسی بر دو قسم است: اول الهی که نتیجه ارسال رسل و انزال کتب باشد و دوم، ملکی و کشوری که عقلا و دانشمندان هر مملکتی در پایتخت آن سامان انجمن کرده ...

در مقاله دوم تحت عنوان افاده مخصوص چنین آمده است: «اثر فایده حقیقی هیئت شورویه و مجلس شورا و علت اصلی و ماده فعاله و قوه مؤثره این اساس، حریت افکار و آزادی و مدخلیت آرای عامه افراد در حفظ حقوق و حدود نوعیه است. فروع و آثار عظیمه - که بر این اصل بزرگ که علت‌العلل انتظامات و موجد حقیقی و جهت مبقیه سعادات و خوشبختی‌ها است - مترتب می‌شود، بسیار بلکه لایحسی است ... منشأ و باعث حقیقی و سرچشمه اصلی آن اصل قویم و مبدأ مستقیم بوده، اصل و مشورت و مدخلیت آرای ملت در امور مملکت اساسی است ...»^{۱۸}

۲. دیکتاتوری موقوف

روزنامه‌ها، در آغاز مشروطیت هرگز نمی‌توانستند در حریم سلطنت وارد شوند و اظهارنظر نمایند. این بود که آهسته آهسته با استفاده از تمثیل و کنایه و

ولی به واسطه وصول پاره‌ای از تلگرافات و وجود مطالب مهمی که اظهار آن در مجلس رسمی و حضور تماشاچیان خوف تأخیر و عدم اختتام مقصود می‌رفت، هیئت وکلا از طرف جناب رئیس به اتاق مخصوص دعوت شده، در آن جا مشاورات و مذاکرات لازمه انجام یافت. در این موقع - که مجلس علنی به مجلس سری تبدیل یافت و تماشاچیان از استفاضه مذاکرات ناامید شده، از عمارت فوقانی مجلس رسمی در صحن عمارت اجتماع نموده - اعضای انجمن اتحادیه فارس که از تعدیات قوام‌الملک شیرازی، چند روز در صحن عمارت مجلس تحصن اختیار نموده و با متکلمین عراق، قم و طایفه شاهسون هم آواز شده، تعدیات وارده و تظلمات محقانه خود را در محضر عالم، ابراز و اظهار داشته، وقت و دقت غریبی به حضار دست داده ...»^{۱۹}

۴. نظامنامه داخلی

نظامنامه - که امروزه به آن آئین‌نامه می‌گویند - ظاهراً در آن روز باید به قلم شاه توشیح می‌شد. از مذاکرات برمی‌آید که مجلس، در این زمینه استقلال رأی نداشته است. مذاکرات یکشنبه ۲۲ شهر شوال‌المکرم سال ۱۳۲۴:

«آمیرزا ابوالحسن خان: آخر مسئله نظامنامه به کجا رسید. همه روزه مطالبه آن را می‌کنیم و به ما نمی‌دهند. دیگر این که، تکلیف ما با معاندین چیست؟

سعدالدوله: آمدن ما در این جا، برای انجام کارهاست نه نشستن بی‌حاصل! تکلیف نظامنامه را معین نمائید.

آسید محمدتقی: جداً باید مطالبه کرد.

آمیرزا محسن: عذر تعویق را، کسالت وجود مبارک شاه می‌دانند و حال این که هر روزه احکام و فرامین، به صحنه همایونی می‌رسد و تسامح این

استعاره، متصور خود را بیان می‌کردند. مدیرمسئول روزنامه مجلس در سرمقاله، مملکت را با بدن سالم مقایسه کرده و گفته است: «و چنانچه در بدن انسان یک یا چند عضو را نمی‌توان به جای همه اعضا به کار انداخت، یک یا چند فرد از افراد هیئت حاکمه هم نمی‌تواند به منزله تمام آحاد جامعه و موجد تمام ارادات و آمر مستقل و فاعل مطلق همه افعال باشد ... همچنین، یک نفر نمی‌تواند منشأ تمام اعمال و فاعل کلیه افعال شود و مدرک حقایق خیر و شر و کیفیات نفع و ضرر و حافظ حدود و جامع و حامی و مدافع حقوق یک ملت و مملکت و آمر آن‌ها به مسلک قویم و ناهی از طریق غیرمستقیم باشد»^{۱۹}

از مسائل مهمی که در سال‌های اول مجلس مطرح و در روزنامه هم منعکس است، نظم و نظامنامه داخلی، امنیت کشور، مسائل جاری و مبتلابه عمومی مثل گوشت و نان، مسائل مالی و اقتصادی به‌ویژه تأسیس بانک و اعزام نکردن وکلا از بعضی نواحی و ولایات مثل خراسان است. نمونه‌ای از این موارد به قرار زیر است:

۳. امنیت

«فجرالملک: در این مجلس ده، پانزده ماه است که صحبت از امنیت می‌شود و از کارهای دیگر. بالأخره نتیجه این می‌شود که پول نداریم. ولی می‌خواهم عرض کنم که این امنیت که ما می‌خواهیم، غالب آن در شهرهاست که اگر پلیس بود، این اغتشاش واقع نمی‌شد و این ترتیب پلیس، لازم به قرض کردن پول یا مالیات زیاد گرفتن نیست. باید یک روزی بنشینیم و ترتیب پلیس هر شهری را بدهیم ...»^{۲۰}

جلسه غیرعلنی روز سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الاول

۱۳۲۵ در مورد امنیت:

«در روز سه‌شنبه بیست و سیم، برحسب معمول، مجلس مقدس شورای ملی انعقاد یافت. هیئت وکلای عظام هم، حضور به هم رسانیده،

خائنین، از جهت این است که بعد از ورود موکب اقدس ولیعهد، شاید بتوانند با وساوس و دسایس، امر را منقلب نمایند ...^{۲۲}

سعدالدوله: این قدر می‌دانم که خودمان را فریب می‌دهیم.

صدیق حضرت: تکلیف این است که چند نفر از وکلا بروند از صدارت، نظامنامه را مطالبه کنند.^{۲۳}

۵. مسئله بانک

از مسائل مهم در دستور کار و منظم دوره اول بوده است که تا مدت‌ها لاینحل مانده بود. همکاری طلاب علوم دینی با بانک هم جالب توجه است: «حاج سید ابراهیم: امروزه جمعی از طلاب، برای شرکت در بانک ملی پولی داده و از حاج محمداسماعیل قبض گرفته‌اند.

حاج محمداسماعیل: بلی، امروز جمع کثیری از طلاب، پول آورده و قبض گرفته‌اند و حال این‌که امروز بی‌بضاعت‌تر از این سلسله کسی نیست و از تمام مردم زودتر اقدام نموده و کتاب‌ها فروخته و سهام خریده‌اند.

سعدالدوله: اشخاص باید در این مورد اقدام کنند مثل شاهزادگان و اعیان؛ کسانی که صاحب ثروت و دارائی فوق‌العاده هستند، ابداً در این مقام به این خیال نیستند. چرا وکلا بی‌پرده صحبت نمی‌دارند. گفتنی‌ها را باید گفت.»

۶. مجلس، مرجع تظلمات هم بوده است.

در جلد اول، شماره ۱۸۴، رئیس مجلس چنین گفته است:

«مرقومه [ای] از طرف مستطاب حجت‌الاسلام آقای آخوند محمدکاظم خراسانی، به مجلس مقدس رسیده، قرائت شود. قرائت شد.

قریب به این مضمون بود: مجلس محترم - شیدالله ارکانه - اظهار می‌دارد: از قراری که آقای

مصطفی نجل مرحوم حاجی آقا محسن عراقی اظهار داشته‌اند، به واسطه اتهام ایشان به مخالفت مجلس مقدس، پاره [ای] صدمات نسبت به ایشان وارد آمده، مقرر دارید حفظ مقامات ایشان را نموده، از جمله خواهندگان مجلس محسوب دارند.»^{۲۴}

۷. بحث استقراض

ظاهراً به خاطر مشکلات اقتصادی، یکی از راه‌های مصوب تشکیل بانک بوده است که پس از تلاش‌های فراوان، ظاهراً تا آن موقع به نتیجه نرسیده بوده است. بحث زیر، گویای این مطلب است:

«وکیل‌الرعايا: گفته شد دو کرور قرض از برای سفرا و مأموران خارجه و سایر ارباب حقوق کافی است؛ متنها این است که این دو کرور جمع نشده است.

تقی‌زاده: حرف دو کرور یا بیش‌تر نیست. بلی، هرچه ممکن باشد، باید قرض کنید. ولی باید دانست که این پول می‌رسد یا نه!

آقا میرزا ابوالحسن خان: این، سؤالی است که آقای تقی‌زاده از خودشان می‌کنند. زیرا که باید کمیسیون مالیه بداند که قروض چه قدر است.

حاج امام جمعه: این قدر حاجتی که به مالیه و پول داشتیم، بعد از زحمت‌های زیاد فکری که کرده‌اند، گفتند که بانکی تشکیل شود که اسباب راحت باشد... حالا بعد آیا بعد از دادن این پول، در فکر بانک هستید یا نیستید؟»

۸. اصطلاحات رایج در آن روز

با مطالعه روزنامه مجلس، اصطلاحات رایج آن زمان روشن می‌شود و این که گاه تعریف درست نکردن، مشکلاتی را ایجاد می‌کرده است.

دو نمونه زیر، گویای این مطلب است:

ظاهراً استیضاح را برخلاف امروز، یک نماینده هم می‌توانسته انجام دهد و نه تنها یک وزیر

۱۰. مکتوب از پاریس (اعتراض به بی‌برنامگی)
 «... هر روزی که مجلس منعقد است که ده مطلب گفتگو شده، یکی از آن‌ها به اتمام نمی‌رسد، آن هم چه مطلب که غالب آن‌ها وظیفه این مجلس مقدس نیست. ای وکلای محترم! وقت عزیز از دست رفت و شما در خواب و اجانب بیدار و هشیار! شما یک روز وقت با قیمت پارلمان را صرف این می‌فرمائید که درخصوص برداشتن یا گذاشتن به زنجیر پسر رحیم‌خان گفتگو کنید و در همان روز، همان وقت دشمنان ما درخصوص آتیه بیچاره ما مذاکره دارند. هیئات هیئات ... ای وجودان عزیز و ای مایه‌های افتخار مملکت! تا چند به عوض گفتگوی کشوری و لشگری، به مذاکرات نان و گوشت قناعت می‌کنید! آخر پارلمان برای این‌گونه مقالات وضع نشده است ...!» دکتر علی‌خان نایب، معلم مدرسه طب پاریس

مقاله دیگر از ابرقوی اصفهان است که وضعیت اسفبار آن‌جا و بی‌توجهی مسئولان را به آن، به مثابه مریضی به تصویر کشیده است که ابداً کسی به فکر معالجه او نیست.

۱۱. مکتوب ابرقوی اصفهان

«بلده‌ای هستم نامعمور و قصبه از شائبه انتظام به دور. معمار قدر، بر تکه جفا تشکیم داد و بنای قضا، خستم به ظلم نهاد. خاکم به آب چشم ستمزدگان عجین و هوایم به آتش آه مظلومان، قرین است. مزاجم از امراض مزمنه، رنجور و اخلاطم، هر یک از قوت دیگر متهور!

... بلی، گاهی که دولت علیه بنای معالجه‌ام نهاده، اطبائی بی‌بصیرت از اصفهان و تهران به سویم فرستاده که جز ثقلی بر ثقلی افزودن و ظلم بالای ظلم نمودن، کاری از دستشان برنیاید! آنگاه وصایای قصبه ابرقو را به هنگام احتضار، چنین برشمرده است:

بلکه کل کابینه را باید احضار می‌کردند، و شاید استیضاح، جنبه سؤال داشته است! استیضاح آقای حاج عزالممالک، به مضمون زیر قرائت شد:

«چون هیئت کابینه در وظائف قانونی خود راجع به امور مالیه و قشون و نظمیه و امنیه نسبت به صفحات جنوب هیچ اقدامی - که باعث امیدواری باشد - ننموده و اصلاحات آن نقاط را اکثراً از مد نظر انداخته‌اند و این بنده، از آقای رئیس الوزرا و هیئت کابینه، راجع به مطالب فوق استیضاح می‌نمایم.»^{۲۵}

همچنین به خاطر فقدان وضوح ایالت و ولایت، بحث زیر مطرح شد:

«حاج امام جمعه: یک دفعه یک چیزی را مردم از برای خودشان صلاح می‌دانند؛ یک دفعه هم ما یک چیزی را از برای آن‌ها صالح می‌دانیم. حال از اطراف می‌پرسند فلان جا ایالت باشد؛ این صلاح خودشان است، ولی صلاحید ما مقدم است.

آن‌ها ما را منتخب کرده‌اند به جهت همین مطالب. شما می‌دانید یک ماه من فریاد کردم که نظامنامه انجمن‌های ایالتی را که می‌نویسد، معین کنید کجا ایالت است و کجا ولایت، تا این مفاسد بروز نکند.»^{۲۶}

۹. بحث درگیری در مرز عثمانی

بحث درگیری در مرز عثمانی و اشغال تعدادی از روستاهای ارومیه، برای نمایندگان بسیار حساس بود و بحث‌های داغی در مجلس برانگیخت. مباحث آن، از شماره‌های ۱۷۰ به بعد سال اول مطرح است. مجلس، دولت را سخت تحت فشار می‌گذارد و از همان برحذر می‌دارد.

از نکات جالت توجه در روزنامه مجلس، علاوه بر سرمقالات سیاسی - اجتماعی، نامه‌هایی است که از داخل و خارج می‌رسیده است. بخشی از دو نامه زیر - که حاوی نکات جالبی می‌باشد - خواندنی است.

- ۱- هرکجا است و آزادی را دیدید، از جانب من دعایش برسانید.
- ۲- علاوه بر مالیات اصلی، ثلث آنچه در من است، هر سال به عمال دیوان و مباشرین من بدهید که اگر ندهید، به زور از شما خواهند گرفت.
- ۳- از محصولات من، چه زکوی آنچه عمل آید، یک عمر آن را قبل الاحصا به الواط پل کاردانی و نبارانی و محله بازاری و دیگران بدهید و گرنه، شب‌ها به سرقت و روزها به غارت خواهند برد.
- ۴- شب‌های زمستان چیزی در خانه‌ها مگذارید که هرچه بگذارید، صبح ندارید و چنانچه دزد را دیدید، غوغا مکنید که فوراً هدف گلوله خواهید شد و اگر او را شناختید، به کسی بروز ندهید که خسارت کلی خواهید دید.
- ۵- در طرق و شوارع خاک من عبور مکنید و تنخواه در جنس داخل و خارج ننمائید؛ زیرا که اولاً باید دو سه جا پول راهداری موقوف شده و ثانیاً باید به هزار ترس از هر جائی و گذری عبور نمائید. ثالثاً چنانچه تنخواه و جنس شما را با حیوان شما بردند و عین آن‌ها را هم در مراغه و مهرآباد دیدید، دست به آن‌ها نخواهید یافت»^{۲۷}.
- مطالب ارزشمند خواندنی در این مجموعه بسیار نفیس - که حاوی تاریخ معاصر کشور است - فراوان و بیش از حد چندین جلد کتاب است. از ویژگی‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، داشتن مجموعه‌های غنی از روزنامه‌های قدیمی از جمله روزنامه مجلس است.
- با پیگیری نگارنده در پنجمین دوره از عمر کتابخانه مجلس که از نیمه دوم سال ۱۳۷۴ شروع شد، کتابخانه صاحب اساسنامه قانونی، ردیف بودجه مستقل، هیئت امناء و جایگاه تشکیلاتی همتراز وزیر شد.^{۲۸}
- به رغم مخالفت جدی بعضی از مسئولان مجلس به‌ویژه متولیان فرهنگی آن، به پیشرفت‌های شگرفی

نایل آمد و بیش از بیست عنوان کتاب، چاپ و منتشر شد و کتابخانه به عنوان مرکز پژوهشی، فرهنگی و خدماتی، معرفی گردید. این توفیق نصیب شد تا مجموعه ارزشمند روزنامه مجلس تجدید چاپ شود. این مجموعه، در پنج جلد در بیش از ۳,۰۰۰ صفحه و در قطع سلطانی بزرگ و با ظاهری نسبتاً زیبا منتشر شده که گاه، دارای سه ستون، در بعضی از شماره‌ها چهار ستون و در اواخر، پنج ستون بوده است. هرگز مطالب هجو و زاید در آن یافت نمی‌شود و هیچ فضای خالی و بدون استفاده در آن نیست. چاپ جلد اول - که قرار بود به مناسبت همایش هفتادمین سال افتتاح رسمی کتابخانه مجلس در بهمن سال ۱۳۷۴ منتشر شود - با ۸ ماه تأخیر منتشر شد؛ ولی مجلات بعدی هر یک به فاصله دو تا سه ماه منتشر گردید. جلد پنجم و آخرین جلد آن نیز چاپ شده، ولی نظر به اینکه اختلاف نظر بود که همراه با نمایه یا مستقلاً منتشر شود، همچنان در چاپخانه قرار دارد. در مقدمه جلد دوم، برخی تفاوت‌های آن با جلد اول به این شرح ذکر شده است:

- عنوان‌بندی، در شماره‌های سال دوم منظم‌تر شده است.
- قلم حروف‌چینی، مناسب‌تر شده است.
- صفحه‌آرایی، حرفه‌ای‌تر شده است.
- ستون‌بندی روزنامه - که در چند شماره سال اول دو ستونی بود - از همان سال اول سه ستونی شده و در سال دوم نیز همین روال ادامه یافته است.
- روزنامه از شماره ۷۲ سال اول، دارای لوگوی خاص شده که قبل از آن، کلمه مجلس با حروف درشت در بالای صفحه چاپ می‌شد.
- تاریخ‌گذاری، در سال اول به دو صورت انجام گرفته است؛ تا شماره ۸۰ تاریخ شامل هجری قمری، هجری شمسی، میلادی، روسی، یزدگردی، رومی و جلالی بوده و از این شماره به بعد، فقط به ذکر تاریخ هجری قمری و میلادی بسنده شده است.

- تا پایان سال اول، وجه اشتراک پس از ارسال ۵ نسخه دریافت می‌شد. اما در سال دوم، کل مبلغ پیشاپیش دریافت می‌شده است.

در مقدمه جلد سوم - که به فاصله تقریبی دو ماه پس از انتشار جلد دوم منتشر شده است - نکات زیر درج شده است:

روال روزنامه، همان روال سابق است. از شماره ۱۳۰ به بعد، «محمدصادق طباطبائی، به واسطه کسالت پدر از سمت خود استعفا کرده و به جای وی، شیخ یحیی کاشانی مسئول شده است. تعداد تصاویر - که در روزنامه بسیار محدود است - نسبت به گذشته بیش‌تر شده است. ستون‌بندی از شماره ۱ تا ۱۹، سه ستونی است. از شماره ۱۹ تا ۳۷ چهار ستونی و از شماره ۳۷ به بعد، ۵ ستونی شده و پس از ۵ ستونی شدن، دیگر تصاویری در آن مشاهده نمی‌شود. تصاویر این سال عبارتند از: احمدشاه، علی رضاخان، عضدالملک نایب‌السلطنه، محمدولی خان تنکابنی، ستارخان، سردار اسعد بختیاری، ملا محمد کاظم خراسانی، علامه سیدمحمد طباطبائی، سیدعلی امامی، مجتهد یزدی، هیئت سفارت دولت عثمانی، میرزا فتح‌الله خان سردار و سید عبدالله بهبهانی.

جلد چهارم نیز، ۵ ستونی است و تغییرات چندانی ندارد. طیف آگهی‌ها وسیع‌تر شده: فروش خانه، تبلیغ دارو، گم شدن طفل، گم شدن و یا پیدا شدن پول و طلا، اطلاعیه وزارت جنگ و حتی عریضه‌های مظلومانه. شماره مقالات و گزارش‌های هنری و انتقادی، ظاهراً افزایش یافته است. بخش‌های متنوع آن منظم‌تر شده است. این بخش شامل اخبار شهری، اخبار داخلی، عدلیه، نقل از جرائد خارجه، تلگراف‌های خارجه و اخبار دارالشورای ملی است. از سال چهارم، بخش جدیدی به نام ادبیات به روزنامه افزوده شده که در آن، تنها مبادرت به چاپ شعر شده است. برای مثال، در شماره ۵۸ سال چهارم در تهنیت ورود نایب‌السلطنه قصیده‌ای آمده

که مطلعش این است:

عشقیان زان وطن مژده که جانان آمد

این وطن را بتن از مقدم او جان آمد

در مجموع، روزنامه مجلس در سال‌های پایانی عمر خویش (چهارم و پنجم)، مخاطبان و مشی سیاسی - اجتماعی خود را یافته است و به عنوان اطلاع‌رسان و باتوجه به امکانات زمانش، به‌خوبی نقش خویش را ایفا کرده است.

جمع‌بندی

آنچه در این مقاله آمد، تصویر کوچکی از محتویات روزنامه مجلس و در واقع تأکید بر اهمیت بررسی تاریخ کشور از زبان مطبوعات است. در بین مطبوعات، آن‌هایی که به منابع و مراکز قدرت دسترسی بیش‌تر دارند، طبعاً حاوی اطلاعات بیش‌تری هستند. نشریات - از آن رو که باید نشان‌دهنده نگاه بی‌غرضانه به اوضاع و احوال و بیانگر خواست‌های اجتماعی باشند - در تحقیقات تاریخی بسیار مؤثرند. همچنان که در زمان حیاتشان هم، در احقاق حق مردم و یا دست‌کم نمایاندن انتظارات و توقعاتشان سهم بسیاری دارند.

همچنان که اشاره شد، روزنامه مجلس، روزنامه پُراطلاع و پُرطمطراقی در آغاز مشروطیت در ایران بوده است. مطالعه این اثر ارزشمند، نه فقط به علاقه‌مندان تاریخ، بلکه به هر ایرانی توصیه می‌شود. آنچه بیش از پیش اهمیت این مجموعه ارزشمند را بالا می‌برد، تهیه نمایه موضوعی برای آن است. قرارداد تهیه نمایه موضوعی روزنامه مجلس، در اواخر سال ۱۳۷۶ تنظیم شد و تلاش وافر صورت گرفت تا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال ۱۳۷۷ به همراه سایر انتشارات کتابخانه مجلس از جمله نگارستان کتاب، شامل بانک اطلاعاتی مجموعه کتابخانه شماره به مجلس به جامعه عرضه شود؛ ولی متأسفانه این توفیق به دست نیامد. خوشبختانه

در نمایشگاه بین‌المللی ۱۳۸۸، انتشار آن را مشاهده کردم که باید از مدیران فعلی کتابخانه مجلس تشکر کرد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- غلامرضا فدائی عراقی، مدیریت یادمانه‌ها (آرشیو) (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، مقدمه.
- ۲- برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: رفیعی، منصوره، *انجمن*. ارگان انجمن ایالتی آذربایجان. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، *روزنامه مجلس* (تهران: ۱۳۷۵)، جلد ۱، مقدمه؛ کتابخانه ملی ایران، *روزنامه انجمن تبریز* (تهران: ۱۳۷۴)، مقدمه.
- ۳- حسن انوشه، *دانشنامه ادب فارسی ۲* (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۶۹۹.
- ۴- مهدی محسنیان‌راد، *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها* (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵)، صص ۷-۶۸.
- ۵- انوشه، پیشین، ص ۷۰۸.
- ۶- *روزنامه مجلس*، سال اول، شماره ۱.
- ۷- رفیعی، پیشین.
- ۸- انوشه، پیشین، ص ۷۱۰.
- ۹- محسنیان‌راد، پیشین، ص ۶۹.
- ۱۰- محمداسماعیل رضوانی، «روزنامه مجلس نخستین روزنامه پس از مشروطیت» در *تاریخ معاصر ایران*،

کتاب هشتم (۱۳۷۴)، ص ۲۸.

۱۱- همان.

۱۲- *تاریخچه کتابخانه مجلس، اولین کتابخانه رسمی*

کشور (تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴)،

ص ۴۹.

۱۳- رضوانی، پیشین، ص ۳۱.

۱۴- عبرت نائینی، *مدینه‌الادب* (تهران: کتابخانه، موزه

و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷)، صص

۶-۱۲۰.

۱۵- همان، ص ۱۱۰.

۱۶- *روزنامه مجلس*، سال اول، شماره ۱.

۱۷- رضوانی، پیشین.

۱۸- *روزنامه مجلس*، سال اول، شماره ۷۰، ص ۱.

۱۹- همان، ص ۴.

۲۰- همان، سال اول، شماره ۷۰، ص ۱.

۲۱- همان، سال اول، شماره ۸۷، ص ۱.

۲۲- همان، شماره ۹، ص ۱.

۲۳- همان، سال اول، شماره ۹، ص ۱.

۲۴- همان، ص ۴.

۲۵- همان، سال ۴، شماره ۱۲، ص ۱.

۲۶- همان، سال اول، شماره ۱۸۳، صص ۳-۴.

۲۷- همان، سال دوم، شماره ۱، ص ۳.

۲۸- غلامرضا فدایی عراقی، «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس» *مقالاتی پیرامون کتابخانه‌های مجالس دنیا*

(تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای

اسلامی، ۱۳۷۷)، صص ۱۳-۲۸.

